



چهارمین کتاب «هفت نشانه» منتشر شد/کلید مرگ در بازار نشر

رمان «کلید مرگ» نوشته مایکل آدامز با ترجمه ساره ارض پیمما توسط انتشارات فاطمی منتشر و راهی بازار نشر شد.

رمان «کلید مرگ» نوشته مایکل آدامز با ترجمه ساره ارض پیمما توسط انتشارات فاطمی منتشر و راهی بازار نشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، رمان «کلید مرگ» نوشته مایکل آدامز به تازگی با ترجمه ساره ارض پیمما توسط انتشارات فاطمی منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب چهارمین جلد از مجموعه «هفت نشانه» است که مایکل آدامز درباره زندگی ۷ نوجوان نوشته و ترجمه اش در قالب یکی از کتاب های «طوطی» (واحد کودک و نوجوان انتشارات فاطمی) به چاپ رسیده است.

مجموعه هفت نشانه درباره هفت علامت و هفت روز برای نجات دنیا است و در آن، هفت نوجوان با نام های یاسمین، ایزابل، اندی، دیلن، جی جی، زاندر و میلا با شرکت در مسابقه مرموز شهامت، برنده سه چیز می شوند: شهرت، ثروت و گشتن دور دنیا. اما این هفت نفر برای رویارویی با اتفاقات خطرناکی که از پی می آیند، آماده نیستند. هفت نماد رازآلود که شهرتشان «اولین نشانه» است، با پیش بینی یک انفجار از راه می رسند و یکی از برندگان را وادار به جنگیدن برای نجات جاننش می کنند. تمام کشورش را هم به آشوب می کشند. به این ترتیب زمان زیادی نمی گذرد که برندگان جایزه شهامت ناچار می شوند از هفت نشانه رمزگشایی کنند و مغز متفکر ناشناسی را شکست دهند که صاحب یک قدرت وحشتناک است.

باران آتش، قتل عام، نابودی کامل، کلید مرگ، ارباب جنایت، موج وحشت و نقطه صفر، عناوین این هفت گانه هستند که تا به حال ترجمه «باران آتش»، «قتل عام»، «نابودی کامل» و «کلید مرگ» از آن ها منتشر شده است.

«باران آتش» به عنوان جلد اول مجموعه «هفت نشانه» با مقدمه ای کوتاه شروع می شود که چندسطر ابتدایی اش از این قرارند: دختر می دانست قرار است بمیرد. قلبش تندتند می زد. دهانش خشک شده بود، گلویش گرفته بود و به سختی نفس می کشید. رو کرد به مرد دیوانه مسلح که او را روی سقف قطاری که به سرعت در دل شب پیش می رفت، گیر انداخته بود. هیچ راهی نبود که بتواند از این مهلکه زنده بیرون بیاید. تا چند ثانیه دیگر یکی از این دو اتفاق می افتاد: یا مرد به او شلیک می کرد یا خودش می پرید پایین. نتیجه هر دو این اتفاق ها هم یکی بود. می مُرد.

در جلد دوم مجموعه پیش رو، یک نفر گم شده و احتمال دارد مرده باشد. دو نفر هم گرفتار قانون شده اند و فقط چهار نفر برای رمزگشایی از دومین نشانه باقی مانده اند. در این جلد، یاسمین، زاندر، اندی، دیلن، جی جی، ایزابل و میلا که برنده جایزه شهامت شده اند، مشغول نبرد با دشمنی مرموز هستند که هیچ ترسی از کشتار مردم ندارد. آن ها خیلی دیر فهمیدند اولین نشانه های فاجعه بار مصر را پیش بینی می کرده و حمله هایی به این کشور، آن را به آشوب کشیده است. هیچ اثری از یاسمین نیست و زندگی آدم های بیشتری در معرض تهدید قرار گرفته است. اندی و دیلن هم بازداشت شده اند. به این ترتیب این سوال پیش می آید که آیا چهار برنده دیگر جایزه شهامت، می توانند دومین نشانه را رمزگشایی کنند و جلوی نقشه ویرانگر نشانه ساز را بگیرند یا نه؟

در سومین جلد این مجموعه، پس از گرفتاری اندی و دیلن در انفجاری مهیب، زاندر، یاسمین، جی جی، ایزابل و میلا متوجه می شوند که تنها شانس آن ها برای متوقف کردن حمله بعدی این است که از نشانه ساز جلوتر باشند. اما مغز متفکر شیطان صفت تنها مشکل آن ها نیست. حالا برندگان جایزه شهامت ناچارند از پلیس، نماینده های دولت و دسته ی اراذل و اوباش هم فرار کنند. به این ترتیب هیچ جا امن نیست. هیچ کس قابل اعتماد نیست. سوال این است که آیا می توانند به موقع سومین نشانه را رمزگشایی کنند؟ آیا می توانند جلوی حمله بعدی را بگیرند و هویت واقعی نشانه ساز را آشکار کنند؟ فقط پنج روز به نجات دنیا باقی مانده است؛

نسخه اصلی جلد چهارم این مجموعه با عنوان «کلید مرگ» سال ۲۰۱۷ منتشر شده است. در این کتاب، هفت برنده جایزه ی شهامت روی یک بام و در محاصره تبهکاران خشمگین گیر افتاده اند. خطرناک تر از این امکان ندارد. حتی از پلیس های شجاع هم کاری ساخته نیست. اما این هفت نفر یک متحد دارند که می توانند به او امیدوار باشند.

در داستان جلد چهارم «هفت نشانه» برنده های جایزه شهامت باید از حمله های موشکی، انفجارها و هرج و مرج یونان نجات پیدا کنند تا به هدف بعدی نشانه ساز یعنی دنیای روباتی برسند. اما حتی اگر موفق شوند، چطور می توانند در برابر

دشمنی بایستند که قوی تر است، سلاح های بیشتری دارد، سریع تر فکر می کند، درد را نمی فهمد و هدفش فقط نابودی کامل است؟ زندگی این هفت نفر و همه ساکنان سنول در خطر است.

در قسمتی از این کتاب می خوانیم:

زاندر با صدایی آرام گفت: «نمی توانیم همین جوری اینجا منتظر بنشینیم. ما هنوز باید جلوی حمله رو بگیریم و فقط پنج ساعت فرصت داریم.»

اندی دستش را توی موهایش کرد. «جی جی داشت بهمون یه چیزی می گفت که دزدیدنش.»

یاسمین پرسید: «روبوچی جی، تو به سیستم های دنیای رباتی دسترسی داری که بفهمی جی جی قبل از اینکه بهش حمله بشه، چی کار می کرده؟»

روبوچی جی همین طور که چشمش به جاده بود و خط عبورش را عوض می کرد، سرش را تکان داد. «دسترسی فوری به شبکه ویدئویی.»

هولواسپیس جدید تصویری از یک دوربین امنیتی نشان داد که در آن جی جی توی خیابان های دنیای رباتی داشت به سمت تالار مشاهیر روبات ها می دوید. بعد جی جی رفت داخل و با قیافه ای جدی با روباتی ردپوش حرف زد.

زاندر پرسید: «چی دارن می گن؟»

روبو جی جی صدا را تنظیم کرد.

جی جی روی تصویر هولواسپیس گفت: «بله، تو نمادی هم داری؟»

روبات ردپوش سرش را تکان داد. «معمولا من را با ابزارم می شناسند.»

این کتاب با ۲۳۶ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۲۰ هزار تومان منتشر شده است.